

قفل‌های ناگشوده

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی

در شماره پیشین دو کتاب «طلسم، گرافیک سنتی ایرانی» و «سرمدان» از مجموعه «هنرهای از یاد رفته»، اثر پرویز تناولی معرفی شد. در این فرصت کتاب «قفل‌های ایران» معرفی و نقد می‌شود.

قفل‌های ایران

بازبینی آثار پرویز تناولی خصوصاً مجسمه‌هایش منفک از ریشه‌های ایرانی و پرورش نقش مایه‌ها یا شکل و کارکردهای هنرهای صناعی و پیشه‌های هنر سنتی ایران نیست. این پیوند تا اندازه‌ای است که علاقه یا گریز او در این زمینه کنجکاوانه و گاه مبهم به نظر می‌رسد. بازی با قفل و کلید از مهم‌ترین این قالب‌ها در آثار حجمی تناولی است. «از کودکی علاقه زیادی به قفل داشتم و هر گاه قفل از کار افتاده

ای به دستم می‌رسید، برای به کار انداختن آن ساعت‌ها سرگرم می‌شدم... یکی از حوادثی که می‌توانست مرا از خانه به کوچه بکشاند، صدای قفل ساز بود. آن روزها قفل‌سازان دوره گرد در محله‌ها راه می‌افتادند و با صدای قفل ساز، کلید ساز مردم را برای تعمیر قفل‌هایشان فرا می‌خواندند. ابزار کار قفل‌سازان از یک چهارپایه بلند که چرخ سنگ سابی را بر آن سوار کرده بودند و چند سوهان تجاوز نمی‌کرد. اما قسمت مهم وسایل آنها کلیدهایشان بود که چون حلقه گلی به سیم کشیده و بر شانه حمل می‌کردند. در نظر من این کلیدها گنجینه‌ای بی‌قیاس بود... هر چند آشنایی تناولی با قفل از کودکی است، ارتباطش با قفل‌سازان و جست و جو در انواع قفل و شیوه‌های فنی قفل‌سازان را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرده است. بخش عمده پژوهش در «قفل‌های ایران» حاصل سفرهای او در همین دوران است که اکنون در قالب کتابی عرضه شده است.

نیاز انسان به امنیت بدیهی‌ترین خاستگاه پیدایش قفل است. پیوند قفل با باورها و اعتقادات مردمان معنا و کارکردی دو چندان به این هنر-صنعت بخشید و قفل‌های طلسم، جادو، نظر قربانی یا جام چهل کلید و... از نمونه‌های همچنان در یادمانده این باورهاست.

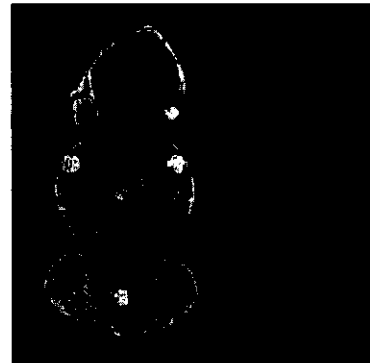
کلیدی که از حفاری‌های قصر خرس آباد نینوا کشف شده است قدیمی‌ترین اجزای به دست آمده حرفه قفل‌سازی تاکنون است. این کلید نزدیک به چهار هزار سال قدمت دارد و متعلق به کلونی چوبی است. نظیر این کلید و کلون‌های چوبی را از مناطقی دیگر چون مصر و فلسطین نیز یافته‌اند. نخستین قفل‌های بشری از جنس چوب بوده است. با این حال قدیمی‌ترین قفل مکشوفه در ایران سنگی است. این

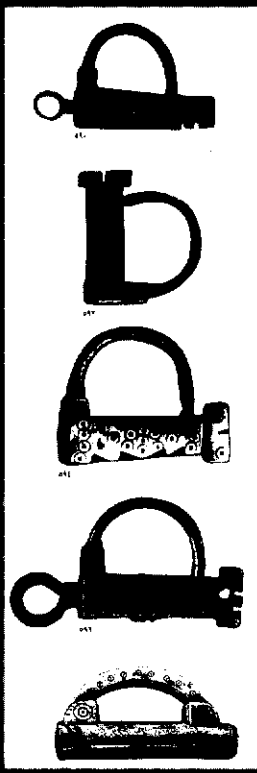
قفل متعلق به منطقه چغازنبیل و از قرن سیزدهم پیش از میلاد باقی مانده است. (نک: قفل‌های ایران، صص ۲۴-۲۶) قفل‌ها در ساده‌ترین شکل به قفل‌های فلزی و چوبی تقسیم می‌شوند. قفل‌های چوبی معمولاً کلون‌دارند و بر روی در منازل و عمارات به شیوه‌ای ثابت استقرار می‌یابند. این قفل‌ها تنوع چندانی ندارند و اغلب از نظر کارکرد و ساختمان مشابه‌اند. اما قفل‌های فلزی چه از نظر شکل و اندازه و چه بر مبنای ساختمان بسیار متنوع‌اند.

بخش عمده کتاب «قفل‌های ایران» و بیشتر تصاویر آن به معرفی و بررسی قفل‌های فلزی ایران اختصاص یافته است. در این کتاب نزدیک به ۶۵۰ قفل فلزی معرفی شده است. این نمونه‌ها، قفل‌های قرون اولیه اسلامی تا دوره معاصر را در بر می‌گیرد. تنوع قفل‌های معرفی شده کتاب، نشان‌دهنده مجموعه کامل و بی‌نظیر نگارنده و تلاش چندین ساله او در جمع‌آوری این قفل‌ها است. از این رو کتاب «قفل‌های ایران» را می‌توان «قفل‌های فلزی ایران» نامید.

از نگاه مؤلف کتاب، مشکل‌ترین بخش از دانش قفل‌شناسی ایران تعیین محل ساخت قفل‌هاست. از این رو در مشخصات تصاویر قفل‌ها اغلب به محل ساخت اشاره‌ای نشده است. جا به جایی و نقل و انتقال قفل‌های متحرک امری طبیعی است با این حال تداوم سنتی واحد در قفل‌سازی مناطق ایران با ویژگی‌های تعریف شده بومی، شناخت مکان ساخت قفل‌ها را میسرتر ساخته است. مثلاً شناخت قفل‌های پرنده شیراز یا قفل‌هایی به شکل حیوانات از مناطق شمالی ایران و خراسان از این جمله است. هر چند نگارنده چنین توضیحی را به همراه نکاتی دیگر در توجیه مسئله قدمت یا هویت قفل‌ها بیان می‌کند، هنوز در صحت برخی گفته‌های کتاب جای سؤال باقی است.

در نگاهی کلی کتاب در دو بخش تدوین یافته است: بخشی در پیشینه تاریخی قفل‌ها و شناخت انواع قفل است و بخشی دیگر نمونه‌هایی از قفل‌های ایران را معرفی می‌کند. شیوه عنوان‌بندی و سرفصل مطالب کتاب چندان روشمند نیست. کتاب بیش از آنکه به تقسیم‌بندی بر اساس محتوا وفادار باشد، متناسب با تصاویر و نمونه قفل‌ها مدون شده است. نگارنده بخشی از معلومات و دانسته‌های خود از قفل‌ها را چکیده سپرده‌های ذهنی افراد مسن‌تر و پاره‌ای دیگر را حاصل دیدار با آخرین قفل‌سازان دانسته است. فاصله میان آخرین بازماندگان مطلع در هنرهای در حال فراموشی ایران و جامعه مدرن امروز زنگ خطری برای حیات این رشته‌ها به حساب می‌آید. از این رو تلاش در گردآوری دانش‌های شفاهی و تجربیات علمی‌هنرهای از یاد رفته ایران گامی شایان توجه و ستودنی است.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

1392

